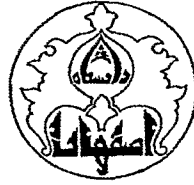


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1129A.



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی

تحلیل تطبیقی ابعاد سیاسی - حقوقی نگرش نسبی گرای حقوق بشر در ایران
با نگرش جهانشمول

استادان راهنما:

دکتر علی امیدی

دکتر محمود جلالی

پژوهشگر:

زهرا بهزادی بیرک علیا

مکاتبات مرکز علمی پژوهشی
گروه علوم سیاسی

۱۳۸۸ / ۴ / ۶

اسفند ماه ۱۳۸۷

۱۱۴۹۸۰



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی


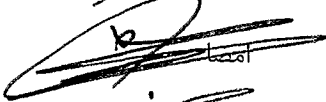


پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی خانم زهرا بهزادی بیرک علیا

تحت عنوان

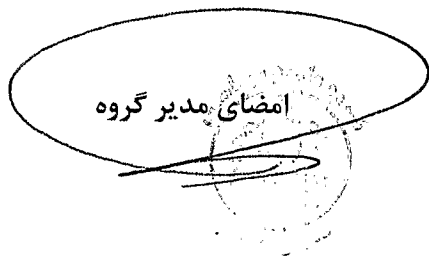
تحلیل تطبیقی ابعاد سیاسی - حقوقی نگرش نسبی گرایي حقوق بشر در ایران با نگرش

جهانشمول

در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- | | | | |
|---|------|--------------------------|--|
|  | امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | ۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر علی امیدی |
|  | امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | ۲- استاد راهنمای پایان نامه دکتر محمود جلالی |
|  | امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | ۳- استاد داور داخل گروه دکتر نوذر شفیعی |
|  | امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | ۴- استاد داور خارج از گروه دکتر محمد کاظم عمادزاده |

امضای مدیر گروه



کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع
این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.

سپاس خدای راکه آفرینش انسان را به آموزش سرشت و سایش او راکه کوهر دانایی را برای شناخت فراروی انسان نهاد.

اینک که به یاری او مطلق دیگری از تحصیلاتم را به پایان می رسانم بر خود لازم می دانم از تالی اساتید و سروران محترمی که در طول دوران تحصیل، در محضر آن ها تلمذ نمودم، تشکر و قدردانی بنمایم؛ بویژه از اساتید محترمی که در دوره ی کارشناسی ارشد توفیق کسب فیض از محضرشان نصیب گردید.

بخصوص مراتب سپاس و امتنان قلبی خود را از اساتید کرامت در جناب آقای دکتر علی امیدی و جناب آقای دکتر محمود

جلالی که با توصیه های موثر خویش در این راه اینجانب را یاری نمودند و در امر راهنمایی پایان نامه از ایشان بهره ی فراوان

بردم، اعلام میدارم.

به یاد و خاطره پدرم

حسن علی بهزادی بیرک علیا

تقدیم به:

آهنایی که انسان را فقط به خاطر انسان بودن دوست دارند

و

کسانی که به مدنی غیر از خود می اندیشند

و

تمامی فعالان نوع دوست سازمان های حقوق بشری

چکیده

تدوین حقوق بشر از قرن‌ها پیش تحت عنوان‌های مختلف در غرب و سایر نقاط جهان منجمله ایران وجود داشته است. در غرب این امر حداقل به دوران یونان باستان و در ایران به دوران کوروش بر می‌گردد. حقوق بشر در غرب از جمله حقوق طبیعی افراد به شمار می‌آید که به دلیل تعلق آن به حیثیت ذاتی بشر، منحصر به منطقه‌ای خاص نیست و اگر دولتی بر مبنای نسبی‌گرایی فرهنگی، حقوق بشر جهانی را رد کند، آن‌گاه افرادی که در حیطه حاکمیت این دولت زندگی می‌کنند، از این حقوق محروم خواهند شد. می‌توان گفت دین اسلام نیز دیدگاهی مغایر با جهانشمولی اصول حقوق بشر ندارد؛ به گونه‌ای که در آیات و روایات مختلفی بر یگانگی سرشت همه‌ی ابناء بشر و کرامت ذاتی همه‌ی انسان‌ها تأکید شده است. این در حالی است که در سخنرانی‌ها و اظهار نظرهای برخی مقامات و نویسندگان ایرانی به گونه‌ای مستقیم و غیر مستقیم، جهانشمولی حقوق بشر بر اساس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مورد نقد و انتقاد قرار می‌گیرد و اغلب، اصول اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر غربی دانسته شده و بر این امر تأکید می‌شود که باید به فرهنگ‌های جوامع گوناگون در تدوین این اعلامیه توجه می‌شد؛ در حالی که از نظر ایران این امر صورت نگرفته است. این دیدگاه ایران یادآور نظریه‌ی نسبی‌گرایی در حقوق بشر می‌باشد. با در نظر گرفتن ملاک‌های اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، برخی اقدامات دولت ایران در زمینه‌ی حقوق بشر از جمله حکم اعدام، سنگسار، قطع اعضای بدن و بسیاری اقدامات دیگر، غیر انسانی و برخلاف موازین حقوق بشر بین‌المللی دانسته می‌شود. به همین دلیل چند سالی است که شاهد دیدگاه مجامع بین‌المللی در خصوص نقض حقوق بشر در ایران هستیم. این دیدگاه‌ها گرچه از سوی مقامات رسمی کشور همواره تکذیب شده و به عنوان حربه‌ی سیاسی جهت اعمال فشار به دولت جمهوری اسلامی ایران قلمداد شده است، اما به هر حال ذهن‌های کنجکاو را بر آن داشته است که نگاهی موشکافانه به این مسأله داشته باشند.

هدف این پژوهش آن است که ضمن اثبات جهانشمولی اصول حقوق بشر، نظریه‌هایی را نقد کند که مبتنی بر این واقعیت‌اند که، عناصر سازنده‌ی یک حق در این جهان، به سنت فلسفی و فرهنگی‌ای وابسته‌اند که حقوق مورد نظر در آن جای دارند.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که حقوق بشر فارغ از هر نوع فرهنگ، مذهب و سیاست، حق تفکیک‌ناپذیر نوع انسان در جهان است و هر گونه خدشه و یا نادیده‌انگاشتن آن پذیرفته نیست و می‌توان عناصر موجود در حقوق و آزادی‌های فردی را در اندیشه‌های اصیل اسلامی مشاهده کرد و آن‌ها را براساس مبانی جدید در خدمت مصالح جامعه درآورد.

واژگان کلیدی: نسبی‌گرایی فرهنگی، جهانشمولی، حقوق بشر، کرامت انسانی، حقوق طبیعی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱- شرح و بیان مسأله ی پژوهشی ۱
- ۲-۱- تعاریف مفاهیم ۶
- ۱-۲-۱- نسبی گرایی فرهنگی ۶
- ۲-۲-۱- جهانشمولی ۷
- ۳-۲-۱- حقوق بشر ۸
- ۳-۱- پیشینه و تاریخچه ی موضوع پژوهش ۸
- ۴-۱- اهداف پژوهش ۱۰
- ۵-۱- سؤال پژوهش ۱۰
- ۶-۱- فرضیه پژوهش ۱۰
- ۷-۱- علل انتخاب موضوع ۱۱
- ۸-۱- اهمیت و ارزش پژوهش ۱۲
- ۹-۱- کاربرد نتایج پژوهش ۱۲
- ۱۰-۱- روش پژوهش ۱۳
- ۱۱-۱- ابزار گردآوری داده ها ۱۳
- ۱۲-۱- ابزار تجزیه و تحلیل ۱۳
- ۱۳-۱- محدودیت های پژوهش ۱۵
- ۱۴-۱- سازمان دهی پژوهش ۱۵

فصل دوم: مبانی نظری

- مقدمه ۱۷
- ۱-۲- نظریه ی حقوق طبیعی ۱۸
- طرح موضوع ۱۸
- ۱-۱-۲- حقوق وضعی و حقوق طبیعی ۱۹
- ۲-۱-۲- اصول اساسی و فراگیر حقوق طبیعی ۲۰
- ۳-۱-۲- حقوق طبیعی در دوره ی باستان و قرون وسطی ۲۲

عنوان	صفحه
۱-۳-۱-۲- سیسرون	۲۲
۲-۳-۱-۲- توماس آکویناس	۲۳
۴-۱-۲- حقوق طبیعی در دوره ی پس از رنسانس	۲۵
۱-۴-۱-۲- گروسیوس	۲۵
۲-۴-۱-۲- توماس هابز	۲۶
۳-۴-۱-۲- جان لاک	۲۸
۵-۱-۲- حقوق طبیعی در دوره ی معاصر	۳۰
۱-۵-۱-۲- لان فولر	۳۰
۲-۵-۱-۲- جان فینیز	۳۱
۶-۱-۲- رویکرد اسلام به حقوق طبیعی	۳۲
۷-۱-۲- ویژگی های حقوق بشر بنا شده بر حقوق طبیعی	۳۵
۲-۲- نظریه کرامت انسانی	۳۶
طرح موضوع	۳۶
۱-۲-۲- معنای کرامت انسانی	۳۶
۲-۲-۲- کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی انسان	۳۸
۱-۲-۲-۲- جلوه های کرامت ذاتی انسان	۴۰
۲-۲-۲-۲- کرامت ذاتی انسان در متون مقدس اسلامی	۴۲
۳-۲-۲-۲- کرامت ذاتی انسان در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر	۴۴
۳-۲-۲- حقوق بشر و کرامت ذاتی انسان امری برون دینی	۴۶
۴-۲-۲- مبنای حقوق بشر جهانشمول: کرامت ذاتی یا ارزشی؟	۴۹
جمع بندی فصل	۵۰

فصل سوم: ابعاد سیاسی-حقوقی نگرش جهانشمول حقوق بشر

مقدمه	۵۲
۱-۳- کلیات	۵۳
۱-۱-۳- تعریف بشر(انسان)	۵۳
۲-۱-۳- تعریف حق و حقوق	۵۴
۱-۲-۱-۳- ویژگی های حق	۵۵

عنوان	صفحه
۳-۱-۳- مفهوم و تعاریف گوناگون حقوق بشر.....	۵۵
۳-۱-۳- ویژگی های حقوق بشر.....	۵۷
۳-۱-۴- جهانی شدن و جهانشمولی حقوق بشر.....	۵۷
۳-۱-۴- تعریف جهانی شدن.....	۵۷
۳-۱-۴-۲- حقوق بشر در عصر جهانی شدن.....	۵۸
۳-۱-۵- آیا قواعد حقوق بشر از قواعد آمره است؟.....	۵۹
۳-۱-۶- ماهیت تعهدات دولت ها در زمینه ی حقوق بشر.....	۶۱
۳-۱-۷- ضمانت اجرای حقوق بشر.....	۶۲
۳-۲- تاریخچه ی حقوق بشر، مبانی و منابع آن در غرب.....	۶۳
۳-۲-۱- تاریخچه ی تکامل حقوق بشر در غرب.....	۶۳
۳-۲-۱-۱- الولج دوازده گانه.....	۶۳
۳-۲-۱-۲- حقوق در یونان باستان.....	۶۴
۳-۲-۱-۳- مکتب رواقیون.....	۶۴
۳-۲-۱-۴- منشور کبیر.....	۶۵
۳-۲-۱-۵- اعلامیه ی حقوق انگلستان.....	۶۵
۳-۲-۱-۶- استقلال امریکا و حقوق بشر.....	۶۶
۳-۲-۱-۷- انقلاب کبیر فرانسه و حقوق بشر.....	۶۶
۳-۲-۱-۸- کنگره های وین و برلین.....	۶۷
۳-۲-۱-۹- کنفرانس های صلح لاهه.....	۶۷
۳-۲-۱-۱۰- عهدنامه ی ورسای و جامعه ی ملل.....	۶۸
۳-۲-۱-۱۱- سازمان ملل متحد و اعلامیه ی جهانی حقوق بشر.....	۶۹
۳-۲-۱-۱۲- میثاق های بین المللی حقوق بشر.....	۷۲
۳-۲-۱-۱۲-۱- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.....	۷۳
۳-۲-۱-۱۲-۲- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....	۷۳
۳-۲-۱-۱۳- سایر اسناد بین المللی حقوق بشر.....	۷۴
۳-۲-۲- مبانی حقوق بشر در غرب.....	۷۵
۳-۲-۳- منابع حقوق بشر در غرب.....	۷۶
۳-۳- ابعاد سیاسی- حقوقی جهانشمولی حقوق بشر.....	۷۷

عنوان	صفحه
۱-۳-۳- نظریه ی جهانشمولی حقوق بشر.....	۷۷
۲-۳-۳- دلایل جهانشمولی حقوق بشر از دیدگاه جهانگرایان.....	۷۸
۱-۲-۳-۳- حقوق بشر وابسته به انسانیت فرد.....	۷۸
۲-۲-۳-۳- اهمیت عملی مباحث حقوق بشری.....	۷۹
۳-۲-۳-۳- مقبولیت بین المللی و منطقه ای حقوق بشر.....	۸۰
جمع بندی فصل.....	۸۵

فصل چهارم: ابعاد سیاسی-حقوقی نگرش نسبی گرایی حقوق بشر در ایران

مقدمه.....	۸۷
۱-۴- کلیات.....	۸۹
۱-۱-۴- تعریف فرهنگ.....	۸۹
۲-۱-۴- تعریف تنوع فرهنگی.....	۹۰
۳-۱-۴- تعریف نسبی گرایی فرهنگی.....	۹۰
۱-۳-۱-۴- خطوط اصلی ادعای نسبی گرایی فرهنگی.....	۹۲
۴-۱-۴- پیشینه ی نسبی گرایی فرهنگی.....	۹۳
۵-۱-۴- انواع نسبی گرایی فرهنگی.....	۹۴
۱-۵-۱-۴- نسبی گرایی مفهومی.....	۹۴
۲-۵-۱-۴- نسبی گرایی اعتقادی.....	۹۵
۳-۵-۱-۴- نسبی گرایی ارزشی.....	۹۶
۶-۱-۴- دیدگاه نسبی گرایان فرهنگی در خصوص حقوق بشر.....	۹۷
۷-۱-۴- حقوق بشر در آسیا.....	۹۸
۱-۷-۱-۴- حقوق بشر نسبی از دیدگاه آسیایی.....	۹۸
۲-۷-۱-۴- آیا آسیا سرزمینی عقیم برای حقوق بشر است؟.....	۱۰۰
۳-۷-۱-۴- کشورهای آسیایی و انتقاد از حقوق بشر جهانشمول.....	۱۰۰
۲-۴- تاریخچه ی حقوق بشر، مبانی، منابع و جایگاه آن در نظام جمهوری اسلامی ایران.....	۱۰۱
۱-۲-۴- تاریخچه ی مختصری از حقوق بشر در ایران.....	۱۰۱
۲-۲-۴- مبانی حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی ایران.....	۱۰۲
۱-۲-۲-۴- خدامحوری.....	۱۰۲

عنوان	صفحه
۲-۲-۲-۴- تکلیف محوری.....	۱۰۳
۳-۲-۲-۴- کرامت انسانی.....	۱۰۴
۳-۲-۴- منابع حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی ایران.....	۱۰۴
۴-۲-۴- جایگاه حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۰۵
۵-۲-۴- نگاهی به رویکردهای نظری مربوط به حقوق بشر در عرصه داخلی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۰۸
۱-۵-۲-۴- دوره اول (سالهای ۶۰-۱۳۵۷) غلبه ی گفتمان پیشبرد حقوق مدنی و سیاسی.....	۱۰۸
۲-۵-۲-۴- دوره دوم (سالهای ۶۱-۱۳۶۷) غلبه ی گفتمان امنیت ملی.....	۱۰۹
۳-۵-۲-۴- دوره سوم (سال های ۶۸-۱۳۸۶) غلبه ی گفتمان توسعه و بازسازی زیر ساخت های کشور.....	۱۰۹
۴-۵-۲-۴- دوره ی چهارم(سالهای ۸۳-۱۳۷۶) غلبه ی گفتمان پیشبرد حقوق مدنی و سیاسی و اصلاحات.....	۱۱۰
۵-۵-۲-۴- دوره ی پنجم (سال ۸۳ تا کنون) غلبه ی گفتمان پیشبرد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....	۱۱۲
۶-۲-۴- حق شرط ایران بر معاهدات بین المللی.....	۱۱۲
۳-۴- ابعاد سیاسی-حقوقی نگرش نسبی گرایی حقوق بشر در ایران.....	۱۱۳
۱-۳-۴- رابطه ی حقوق بشر با قدرت و سیاست در ایران.....	۱۱۳
۱-۱-۳-۴- رویکرد ایران به کشورهای مختلف جهان و نهادهای بین المللی در مقوله ی حقوق بشر.....	۱۱۵
۲-۱-۳-۴- دیدگاه ایران در خصوص حقوق بشر در غرب.....	۱۱۷
۳-۱-۳-۴- اجلاس های کمیسیون حقوق بشر در خصوص نقض حقوق بشر در ایران.....	۱۱۸
۱-۳-۱-۳-۴- از سال ۱۹۷۹-۲۰۰۲.....	۱۱۸
۲-۳-۱-۳-۴- از سال ۲۰۰۲ تاکنون.....	۱۲۲
۲-۳-۴- نگرش نسبی گرایی حقوق بشر در ایران.....	۱۲۴
۱-۲-۳-۴- دلایل مخالفت ایران و کشورهای جهان سوم با جهانشمولی حقوق بشر.....	۱۲۷
۲-۲-۳-۴- اندیشمندان منتقد اعلامیه ی جهانی حقوق بشر در ایران.....	۱۳۰
۱-۲-۲-۳-۴- مرتضی مطهری.....	۱۳۱
۲-۲-۲-۳-۴- سید محمود طالقانی.....	۱۳۲
جمع بندی فصل.....	۱۳۲

فصل پنجم: پاسخ به نسبی گرایی و تحلیل تطبیقی قوانین حقوق بشر در ایران و اعلامیه ی جهانی حقوق بشر

مقدمه.....	۱۳۴
۵-۱-۱- نقد و پاسخ به نسبی گرایی فرهنگی و نسبی گرایی در حقوق بشر.....	۱۳۵
۵-۱-۱-۱- پاسخ به استدلال های نسبی گرایان.....	۱۳۶
۵-۱-۱-۱- انسان ها دارای فطرت، توان ها و نیازهای مشترک هستند.....	۱۳۶
۵-۱-۱-۲- همه ی فرهنگ ها ارزشمند، انسانی و خوب نیستند.....	۱۳۶
۵-۱-۱-۳- حقیقت وجود دارد.....	۱۳۶
۵-۱-۱-۴- خردباوری زیر سوال نمی رود.....	۱۳۸
۵-۱-۲- نقد نسبی گرایی فرهنگی در حقوق بشر.....	۱۳۸
طرح بحث.....	۱۳۸
۵-۱-۲-۱- دیدگاه حقوقی.....	۱۳۹
۵-۱-۲-۲- دیدگاه سیاسی؛ نسبی گرایی به عنوان حربه ای سیاسی.....	۱۴۰
۵-۱-۲-۳- دیدگاه فرهنگی- انسان شناختی.....	۱۴۱
۵-۱-۲-۴- اعلامیه ی جهانی حقوق بشر صرفاً ارزش های لیبرال غربی را تجسم نمی بخشد.....	۱۴۳
۵-۲- تحلیل تطبیقی برخی قوانین حقوق بشر در ایران و اعلامیه ی جهانی حقوق بشر.....	۱۴۷
۵-۱-۲-۱- حق حیات.....	۱۴۷
۵-۲-۲- تساوی در برابر قانون.....	۱۴۸
۵-۱-۲-۲- حد زنای مسلمان و غیر مسلمان.....	۱۴۸
۵-۲-۲-۲- آغاز مسئولیت کیفری.....	۱۴۹
۵-۳-۲- حق دفاع در برابر دادگاهی بی طرف.....	۱۴۹
۵-۱-۳-۲- ادعای مهدورالدم بودن قتل.....	۱۴۹
۵-۲-۳- لعان.....	۱۵۰
۵-۴-۲- شخصی بودن مسئولیت.....	۱۵۰
۵-۱-۴-۲- استثنائات اصل شخصی بودن مسئولیت در قانون ایران.....	۱۵۱
۵-۲-۵- شخصیت حقوقی انسان.....	۱۵۱
۵-۲-۶- آزادی فکر، وجدان و مذهب.....	۱۵۲

عنوان	صفحه
..... ۵-۲-۶-۱- ارتداد	۱۵۳
..... ۵-۲-۷- آزادی در انتخاب همسر	۱۵۳
..... ۵-۲-۷-۱- تساوی حقوق زوجین	۱۵۴
..... ۵-۲-۷-۱-۱- حقوق زوجین در رابطه با فرزندان	۱۵۴
..... ۵-۲-۷-۱-۱- نام خانوادگی فرزندان	۱۵۴
..... ۵-۲-۷-۱-۲- حضانت	۱۵۴
..... ۵-۲-۷-۱-۳- اداره امور مالی فرزند	۱۵۵
..... ۵-۲-۷-۲- حقوق زوجین در رابطه با یکدیگر	۱۵۵
..... ۵-۲-۷-۱-۲- تعدد زوجات	۱۵۵
..... ۵-۲-۷-۱-۲- طلاق	۱۵۵
..... ۵-۲-۷-۱-۳- سهم الارث زوجین از یکدیگر	۱۵۶
..... ۵-۲-۸- ممنوعیت شکنجه و حفظ کرامت انسان ها	۱۵۷
..... ۵-۲-۹- ممنوعیت بازداشت خودسرانه ی اشخاص	۱۵۸
..... ۵-۳-۳- رفع تعارضات حقوق بشر در ایران و غرب	۱۵۸
..... ۵-۳-۱- راه کارهای اجرایی رفع تعارضات حقوق بشر در ایران و غرب	۱۵۹
..... ۵-۳-۱-۱- بحث علمی و منطقی در زمینه ی مفاهیم مربوط به حقوق بشر	۱۵۹
..... ۵-۳-۱-۲- تعیین و تبیین قواعد ثابت اسلامی	۱۵۹
..... ۵-۳-۱-۳- اصلاح و بازنگری در قوانین موجود	۱۶۰
..... ۵-۳-۱-۴- دقت لازم در وضع قوانین	۱۶۰
..... ۵-۳-۱-۵- تلاش در جهت ایجاد جامعه مدنی و تقویت نهادهای مستقل حقوق بشری	۱۶۰
..... ۵-۳-۲- توجه به سازگاری اسلام و حقوق بشر جهانشمول	۱۶۲
..... جمع بندی فصل	۱۶۴
..... نتیجه گیری	۱۶۵
..... منابع و مأخذ	۱۷۰

فصل اوّل

کلیات پژوهش

۱-۱- شرح و بیان مسأله ی پژوهشی

مفهوم «حقوق بشر»^۱ در دنیا قدیمی تر از آن است که بتوان آن را به تمدن و دوره ای خاص منتسب کرد و از دیرباز همه مذاهب، اندیشمندان و کتب بزرگ از آن سخن گفته اند (بسته نگار، ۱۳۸۰: ۴). در واقع از ابتدای خلقت انسان ها، زیست مشترک و توأم با صلح و امنیت، هدف غایی اجتماعات انسانی بوده است. لذا برای تحقق این مهم، هر اجتماعی ضرورتاً باید از مقررات و هنجارهایی برخوردار باشد که حافظ ارزش ها و منافع عمومی باشد (کارو، ۱۳۶۷: ۴۵). بنابراین قدمت حقوق بشر به پهنه تاریخ می رسد. یعنی از آن هنگامی که فرد یا افرادی ظالمانه حقوق دیگران را نادیده انگاشتند و خودسری و توسعه طلبی پیشه کردند، پیکار برای حقوق بشر آغاز شد (شریفیان، ۱۳۸۰: ۴).

^۱ -Human Rights

در جهان بینی اسلامی توجه به انسان و دغدغه‌ی پیامدهای اجتماعی زندگی وی همواره مورد توجه بوده، به گونه‌ای که انسان خلیفه‌ی خدا دانسته شده است و خداوند حکیم جهت کمال شایسته انسان به وی استعدادهایی عطا کرد و برای شکوفایی آن استعدادها تکالیفی مقرر و حقوقی ارزانی داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به حقوق بشر اشاره کرد (حسینی، ۱۳۸۶: ۲). از طرف دیگر جدال‌های فکری دوران رنسانس در مغرب زمین با تحول روش پژوهش و اندیشیدن همراه شد و افق‌های تازه‌ای را برای تفکر درباره‌ی انسان گشود و با نگرش جدید به انسان، جنبه‌های محسوس و مشهور حیات بشر بر سایر جنبه‌ها تقدم یافت و اندیشمندان جهان غرب را به سوی قوانین بشری، برای اداره‌ی حیات جمعی و اجتماعی سوق داد. سرانجام در این جهت نهضتی شکل گرفت. استاد شهید مرتضی مطهری در این خصوص بیان می‌دارند که: «در دنیای غرب از قرن هفدهم به بعد پایه‌های نهضت‌های علمی و فلسفی، نهضتی در زمینه‌ی مسائل اجتماعی و به نام حقوق بشر صورت گرفت. ژان ژاک روسو، ولتر و منتسکیو از نویسندگان و متفکرانی‌اند که در این زمینه تلاش قابل‌تحسینی داشتند. این گروه حقّ عظیمی بر جامعه بشریت دارند» (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۴). در این راستا در قرن ۲۰ جهان پس از سپری کردن تجربیات بسیار تلخ، به ویژه جنگ‌های اول و دوم جهانی که خسارت و تلفات بی‌شماری بر بشریت تحمیل کرد، با تأسیس سازمان ملل متحد در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در صدد برآمد تا گامی به سوی تأمین صلح و امنیت بین‌المللی بردارد. از جمله اقدامات این سازمان صدور «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر»^۲ در سال ۱۹۴۸ بود (حسینی، ۱۳۸۶: ۲). این اعلامیه مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده، با رأی مثبت ۴۸ دولت از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل، طی قطعنامه شماره ۲۱۷، بدون رأی مخالف و با ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید (قاری، ۱۳۸۶: ۲). در این اعلامیه بر شناسایی حیثیت ذاتی همه‌ی انسان‌ها و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آن‌ها، به عنوان شالوده‌ی آزادی، عدالت و صلح در جهان تأکید شده است. ماده اول اعلامیه تصریح می‌نماید: «همه‌ی افراد بشر آزاد و از لحاظ شأن و حقوق برابر زاده می‌شوند. آنان از عقل و وجدان برخوردارند و باید با روح برادری نسبت به یکدیگر رفتار کنند» (امیدی، ۱۳۸۶: ۳). در واقع حقوق بشر تضمین‌های اخلاقی پایه‌ای انگاشته می‌شود که مردم در همه‌ی کشورها و فرهنگ‌ها به صرف انسان بودنشان باید از آن برخوردار باشند. این حقوق به همه‌ی افراد تعلق می‌گیرد و دارای اولویت بالایی بوده است (Nickel, 1992:261).

کوشش‌های فراوانی از هنگامی که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تدوین و تصویب شد، برای جهانی کردن و تضمین رعایت آن شکل گرفته است که عموماً در تعهدات و کنوانسیون‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حقوق بشر نمایان گردیده‌اند. در واقع هسته‌ی اصلی نظام جهانی‌شمول، منشور ملل متحد و اسناد مربوطه است. در این راستا

^۲ - Universal Declaration of Human Rights

برخی از کشورها ارزش‌های منعکس شده در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را دارای جنبه‌ی جهانی می‌دانند که به فرهنگ و منطقه‌ی خاصی تعلق ندارد و بنابراین معتقدند که توجه به این ارزش‌ها و رعایت آن‌ها از سوی همه کشورها ضروری است. زیرا حقوق بشر به عنوان یکی از موضوعات حقوق بین‌الملل از زمانی مورد توجه قرار گرفته است که منشور ملل متحد به موجب یک معاهده چند جانبه در زمینه‌ی حقوق بشر تعهدات الزام‌آوری برای کشورهای عضو ایجاد کرده است (مقدمه، ماده ۱، ۱۳، ۱۴، ...). با در نظر گرفتن این عقیده، بیشتر کشورهای غربی اصرار دارند که حقوق بشر جهانشمول است و نقض آن در هر کشوری موجب نگرانی کل جامعه بین‌المللی خواهد بود و برای واداشتن دیگر کشورها به رعایت حقوق بشر، آن را عامل مهمی در شناسایی و مشروعیت دولت‌ها و پیش شرط سیاسی و حقوقی برای برقراری مناسبات و معاهدات مختلف بین‌المللی می‌دانند (کاسسه، ۱۳۷۰: ۳۴۰). اما در مقابل، کشورهایی که در مراحل مختلف توسعه قرار دارند و دارای سنت‌های تاریخی و سوابق فرهنگی گوناگون هستند، درک متفاوتی از حقوق بشر دارند و معتقدند که مسئله‌ی حقوق بشر بنا به شرایط و مقتضیات زمان مورد بهره‌برداری تبلیغاتی قرار گرفته و می‌گیرد به گونه‌ای که حتی در دوران جنگ سرد، مسئله‌ی حقوق بشر وارد مناقشات دو اردوگاه غرب و شرق شد. طرفداران این نگرش معتقدند، برخی از کشورهای غربی فکر می‌کردند که با برشمردن مزایای دموکراسی غربی و مشکلات و نارسایی‌های نظام سوسیالیستی، می‌توان از حقوق بشر به عنوان چماق تکفیر بهره‌جست و به این ترتیب در دوران جنگ سرد، حقوق بشر دستکم برای برخی از کشورهای غربی مبدل به حربه‌ای در جنگ عقیدتی و سیاسی شد (کاسسه، ۱۳۷۰: ۳۴۱) یا آن‌که، امروزه کشورهای غربی در برخی از موارد با انتقاد از وضع حقوق بشر در پاره‌ای از کشورهای جهان سوم برای رسیدن به اهداف خاص و استکباری خود از موضوع حقوق بشر به عنوان یک ابزار سیاسی و تبلیغاتی، بی‌توجه به ارزش‌های فرهنگی آن کشورها استفاده می‌کنند. از این رو کشورهای جهان سوم نیز پایبندی به ویژگی‌های مذهبی، فرهنگی و تاریخی خود را دلیلی برای نپذیرفتن معیارهای غربی حقوق بشر می‌دانند و با تأکید بر این که نقش چندانی در تدوین اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نداشتند، ضمن پذیرش جهانی شدن حقوق بشر خواستار تطبیق آن با فرهنگ دینی، مردمی و منطقه‌ای خود هستند. در قطعنامه‌ی شماره ۳۲/۱۳۰ (۱۹۷۷) مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛ نظریه‌ی جدیدی مطرح شد. این قطعنامه که از سوی کشورهایی چون آرژانتین، کوبا، یوگوسلاوی، فیلیپین و ایران پیشنهاد شده بود تصریح می‌کند که مسائل مهم و حساسی چون مسائل مربوط به حقوق بشر را نمی‌توان بر پایه‌ی دیدگاه مجرد و شبه تاریخی مهر تأیید زد و پذیرفت. بلکه باید شرایط عینی، اقتصادی و اجتماعی حقوق بشر را مورد ارزیابی قرار داد. همچنین برخی از کشورهای آسیای شرقی معتقدند که در اجرای حقوق بشر باید سنت‌ها، فرهنگ، مذهب و سطح توسعه‌ی هر

ملت را در نظر گرفت و روی این اصل می گویند کشورها مجاز نیستند که به نام حقوق بشر در امور داخلی یکدیگر دخالت کنند (بالازاده، ۱۳۸۲: ۶۵). در این راستا اندیشمندان مسلمان، در رویارویی با حقوق بشر واکنش-های گوناگونی بروز دادند. گروهی با این گمان، که حقوق بشر از گرداب عقلانیت سکولار غرب سر برآورده، یکسره با آن به رویارویی و ناسازگاری برخاستند. دسته ای دیگر، به استقبال حقوق بشر شتافتند و سعی کردند آموزه های دینی را با آن هم افق سازند. به هر حال، موضوع حقوق بشر چنان غرقابی در جوامع اسلامی برپا کرد که همه ی متفکران را با سلیقه های گوناگون وادار کرد تا در برابر آن، دست به کار شوند و موضع بگیرند (ناصری، ۱۳۸۴: ۳۵۸).

در اندیشه ی اسلامی مبنای حقوق بشر الهی است و این حقوق از سوی خدا به انسان واگذار شده است (البته در منشأ الهی حقوق بشر هر فردی از آن بهره مند می باشد). بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز هر فردی به صرف انسان بودن و بدون هیچگونه تفاوتی از حقوق بشر برخوردار است. در این راستا حکومت ایران که بر پایه ی دین اسلام بنیانگذاری شده است و حفظ نظام توحیدی و مذهب الهی در این کشور یک ارزش تلقی می شود، به خود حق می دهد که این ارزش را حفظ کند و با اعمالی که به این ارزش لطمه وارد می آورد، مقابله نماید (مهرپور، ۱۳۷۴: ۱۴۴). این امر موجب شده نظام سازمان ملل برخی قوانین و مقررات حکومت اسلامی ایران را مغایر با موازین حقوق بشر اعلام کند. از جمله، برخی مجازات های بدنی در مورد سرقت و اعمال منافی عفت و بعضی تفاوت ها و محدودیت هایی که در مورد زنان وجود دارد، همواره محل بحث و چالش جدی بوده است (مهرپور، ۱۳۷۴: ۳۶). در این راستا از همان سال های اولیه ی استقرار جمهوری اسلامی ایران، مسأله حقوق بشر در ایران و صدور قطعنامه و تعیین نماینده ی ویژه، در دستور کار کمیسیون قرار گرفت. در سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ قطعنامه هایی دایر بر ابراز نگرانی از وضعیت حقوق بشر در ایران صادر شد و برای نخستین بار در سال ۱۹۸۴ در اجلاس چهارم کمیسیون، قطعنامه ای با ۲۱ رأی مثبت و ۶ رأی منفی و ۱۵ رأی ممتنع صادر شد که ضمن آن مقرر شد نماینده ی ویژه ای برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین گردد. از آن سال تا کنون، تقریباً هر ساله مفاد این قطعنامه که نگرانی عمیق خود را از ادامه ی نقض جدی حقوق بشر و آزادی های اساسی در جمهوری اسلامی ایران ابراز می دارد، با اندکی تغییرات به مناسبت وقایع و حوادث جدید تکرار شده و ادامه دارد (مهرپور، ۱۳۷۴: ۲۰۰). این در حالی است که ایران و بسیاری از کشورهای غیر غربی معتقدند که سازمان ملل در برخورد با مسأله ی حقوق بشر سیاسی و گزینشی عمل می کند. به این صورت که حقوق بشر تبدیل به ابزاری مؤثر در دست برخی دولت های غربی برای فشار آوردن به بعضی از کشورها بخصوص کشورهای جهان سوم و به ویژه آنهایی که تا حدودی داعیه ی استقلال در برابر غرب دارند، شده است و به هیچ وجه مسأله ی دلسوزی

برای بشریت و جلوگیری از تضييع حقوق اساسی انسان‌ها مد نظر نمی باشد (مهرپور، ۱۳۷۴: ۱۲۰). جمهوری اسلامی ایران معتقد است باید بحث حقوق بشر را از حالت بازی سیاسی و ابزار جدیدی در دست دولت‌های استعمارگر سابق برای وارد کردن فشار بر دولت‌های مستقل درآورد و با آن به عنوان یک مسأله ی انسانی برخورد نمود. در عین حال، مفهوم حقوق بشر و درک و تفسیر اصول و قواعد آن را از انحصار چند دولت خارج کرد و از تحمیل شیوه‌ها و تلقی‌های حقوق بشر چند کشور با وجود تفاوت‌های معقول فرهنگی، پرهیز نمود (مهرپور، ۱۳۷۴: ۱۲۳). با این وصف، جمهوری اسلامی ایران به جهانشمولی حقوق بشر اعتراض داشته و خواستار بحث جدی، دقیق و اصولی در زمینه ی مبانی و اصول حقوق بشر است. رئیس هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ اظهار داشت که، مشکل اصلی کشورهای غربی برداشت‌های غلط آنان از انسان و حقوق انسان است به همین دلیل تاکنون آن‌ها نتوانسته‌اند الگویی جهانشمول و قابل قبول همگان ارائه دهند (باقرزاده، ۱۳۸۶: ۴). البته نماینده ی جمهوری اسلامی ایران فرمولی ارائه نمی دهد که در عین حال که مسلمانان را در خود جای می دهد، سایر ادیان، مذاهب و نژادها را در بر داشته باشد به گونه ای که آن‌ها نیز این فرمول را بپذیرند.

در کل دلایل مخالفت ایران با جهانشمولی حقوق بشر عبارتند از:

- ۱- استفاده ی ابزاری غرب از مفهوم حقوق بشر برای دخالت در کشورهای جهان سوم.
 - ۲- غرب محوری فرهنگی، عقیدتی، سیاسی مدافعان حقوق بشر جهانی.
 - ۳- این که حقوق بشر جهانی تنها حامی ارزش‌های حوزه ی تمدنی غرب است و غرب ارزش‌های ملل دیگر جهان و پیروان ادیان غیر مسیحی را ملحوظ و منظور قرار نمی دهد.
- صرف نظر از اتهامات دنیای غرب به ایران در مورد نقض حقوق بشر و صرفاً از منظر تئوریک، هواداران جهانشمولی حقوق بشر دعوی ایران و بعضی از کشورهای اسلامی را که می گویند حقوق بشر با استناد به ارزش‌ها و اندیشه های دین مورد نظر ایشان تعریف و تفسیر شود، رد می کنند و می گویند اساساً حقوق بشر برخاسته از خرد جمعی نوع بشر است. دولت‌های غربی در پاسخ به دومین ایراد در خصوص ابتای حقوق بشر جهانی بر فرهنگ غرب می گویند؛ همه ی ملل و همه ی ادیان به نوعی با اصول بنیادین حقوق بشر تفاهم و توافق دارند. مهم تر از همه آن که مدافعان جهانشمولی حقوق بین الملل بشری می گویند؛ اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان در قوانین اساسی خود، یا به موجب اتحادیه ها و سازمان‌های منطقه ای که به عضویت آن در آمده اند، عملاً جهاتشمولی اعلامیه ی حقوق بشر را تأیید کرده اند (امین، ۱۳۸۱: ۱۹۰-۱۶۷). علاوه بر این پیروان مکتب اصالت

جهانی بودن، اصول حقوق بشر را قواعدی عام و فراگیر می‌دانند که ریشه در مفهوم حیثیت یا «کرامت انسان»^۳ دارد. به دیگر سخن معتقدند، حقوق بشر نه برای مطلق حیات انسان، که برای حیات همراه با حیثیت، احترام و کرامت او لازم است (اعوانی، ۱۳۸۷: ۴۸).

می‌توان گفت در متون و آثار دینی، شالوده‌های محکم و توانمندی بر انسان‌مداری و آزادی وجود دارد به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد پیش از آغاز مدرنیته دین منبع، پشتوانه و آموزنده‌ی انسان‌مداری و حقوق او بوده است (باقی، ۱۳۸۲: ۱۴) و مسلمانان می‌توانند با الگوگیری از اصول جهانی حقوق بشر، ضمن محک زدن و اصلاح این اصول با اجتهاد در اسلام و تغییرات اصولی، آن را کارآمد و روزآمد نموده و این تعارضات را رفع نمایند. ضمن توجه به این که حقوق افراد مستقل از تفاوت درجات ایمان آنهاست و هیچ کس حق ندارد درک و برداشت خود را مبنای حق قرار دهد. بنابراین حقوق بشر در غرب نه دینی و نه ضد دینی است، بلکه غیر دینی و زاینده‌ی عقل و تجربه‌آدمیان در طول قرون متمادی است و وظیفه‌ماست که این حقوق را بازشناسیم (ناظم زاده، ۱۳۸۲: ۵).

با این توضیحات، نگارنده در این رساله بر آن است تا ضمن تحلیل تطبیقی ابعاد سیاسی و حقوقی نگرش نسبی‌گرایی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران با نگرش جهانشمول حقوق بشر و شناسایی مبانی فکری و نوع نگرش پیروان هر دیدگاه، جهانشمولی در «ریشه» و در عرصه‌ی وجودی حقوق بشر را به اثبات برساند. در این رساله جهت اثبات جهانشمولی حقوق بشر بر نظریه‌ی کرامت و حیثیت ذاتی انسان و نظریه‌ی حقوق طبیعی و همچنین بر مقبولیت بین‌المللی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر استناد می‌شود. در نهایت به نظر می‌رسد وجود برخی مبانی مشترک از جمله بحث کرامت ذاتی انسان، فطرت، حجت بودن عقل و خرد و غیره، بتواند میان نگرش نسبی‌گرایی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و مبانی نگرش جهانشمول حقوق بشر، پیوند ایجاد نماید.

۲-۱- تعاریف مفاهیم

۱-۲-۱- نسبی‌گرایی فرهنگی

«نسبی‌گرایی فرهنگی»^۴ و یا نسبییت‌گرایی فرهنگی، مفهومی ارائه شده از سوی برخی کشورها که بر وجود عواملی چون مذهب، سنت‌ها، فلسفه‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوت در خصوص وضعیت انسان و حقوق او مبتنی

^۳- Human Dignity

^۴- Cultural Relativism